

تاب‌آوری در بحران



احمد غلامی

یکی از پرسش‌های بنیادی جامعه این است که چه کسی قادر است دست به عمل بزند و دقیق‌تر آن که «توان عمل» دارد. جامعه به معنای واقعی در چنان وضعیت ویژه‌ای قرار دارد که بعید است با نظریه‌پردازی کاری از پیش برود. آنچه همه در ظاهر و باطن به آن اعتقاد دارند، این است که باید دست به عمل زد. این عمل‌گرایی بدون پشتوانه نظری نشانگر روحیه ضدتئوریک است که در میان آحاد مردم و پیش از همه در میان طبقه متوسط، دولت، نخبگان و احزاب سیاسی هویداست. برآیند این رویکرد، نفرت و خشونت کلامی نسبت به نظریه‌پردازان و روشنفکران حاضر و غایب است. جامعه کنونی ایران به شکل اغراق‌آمیزی چنان با این طیف‌های مختلف به زبان خصومت سخن می‌گوید که انکار در پی آن است تا آنان را قربانی مصیبت‌های خود کند. این رویه در تاریخ ایران سابقه داشته است که مردم برای عبور از بحران‌ها دست به خشونت زده و بسیاری را قربانی کرده‌اند. یکی از رعب‌انگیزترین این قربانیان، الکساندر سرگیویچ کرییادف، سفیرکبیر روسیه در تهران است. مردم خشمگین از طعم تحقیر شکست و از دست‌دادن بخشی از سرزمین خود و غرامت سنگینی که در عهدنامه ترکمانچای به آنان تحمیل شده بود، مترصد فرصتی بودند تا از بار تحقیری که بر دوش آنان سنگینی می‌کرد، خلاص شوند و این ممکن نبود مگر از طریق یک قربانی؛ کرییادف، سفیر متکبر روس که ضمن موافقت با پناهندگی دو زن ارمنی مسلمان‌شده به سفارت روس که از زنان حرمسرای وزیر خارجه فتحعلی‌شاه بودند، شرایط را برای این مراسم آماده کرد. مردم با شمشیر، چاقو و دشنه به سفارت یورش بردند و بسیاری را به شکل فجیعی به قتل رساندند، از جمله طراح قرارداد ترکمانچای کرییادف. این حادثه اگرچه باز ایران را به لحاظ دیپلماتیک با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو کرد اما جامعه به زخم شکست و بار تحقیر خود التیام بخشید. آیا این خشونت کلامی که بر سر روشنفکران، نخبگان و دلسوزان این کشور می‌بارد از همین جنس است؟ این گزاره درست باشد یا نباشد، در یک چیز کمتر می‌توان تردید داشت که جامعه واکنش منفی به تئوری و نظریه‌پردازی روشنفکران دارد. جامعه منتظر عمل است و عمل با باید از سوسی حکومت شکل بگیرد یا از سوسی بوروکرات‌ها و نخبگان سیاسی و مردم. اما این شرایط عمل‌زده مستعد ظهور چهره‌ای اقتدارگراست که بسیاری پیش از این نیز بر آن تاکید کرده‌اند. اگر دوباره به عقب برگردیم آیا می‌توان ادعا کرد از این منظر دکتر مصدق هم یکی از این قربانیان تاریخ است؟ فراموش نکنیم در دوره نخست‌وزیری مصدق، روشنفکران و نخبگان سیاسی دست بالا را داشتند. جامعه کوچک شهری آن زمان توان آن میزان تضارب آرا را نداشت و این پروگویی‌ها در حرف و نظر سیاسی و حضور جریان‌های مخالف، جامعه تازه‌شهری‌شده را آشوبناک می‌کرد. جامعه دوران مصدق بحران‌زده بود و باید از این بحران می‌گذشت. اما این بار دشمنان مردم، برای عبور از بحران، مردم و مصدق را قربانی کردند. فضای دموکراتیک حاصل از نخست‌وزیری مصدق در بحران دوام نیاورد و حکومت اقتدارگرا دوباره بازگشت. آیا باید از بحران‌ها به هر قیمتی گذشت؟ پاسخ به این پرسش دشوار است. اما چگونگی عبور از بحران مهم‌ترین مسئله است. قیقیت، نحوه برساخته‌شدن «توان عمل» آینده سیاسی ایران را رقم خواهد زد. هر جامعه‌ای نتواند بحران‌ها را تاب بیاورد و با نظریه و عمل راه برون‌رفتی از بحران نجوید، ناگزیر است قربانی بدهد؛ یا به دست مردم یا به نیرنگ دشمنان. اینک مهم‌ترین کار عبور از بحران با خرد و تجربه است و باید در این زمینه به روشنفکران و نخبگان اتکا کرد. گاه خشم مردم از جامعه بحرانی، دستاویزی است برای دشمن تا آن را به انقیاد خود درآورند. پایداری در بحران و عبور خردمندان از آن، اولویت کنونی جامعه ایران است؛ جامعه‌ای که تجربه‌های زیسته متفاوتی در تاریخ خود دارد.



آگهی مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله ای (نوبت اول)

شناسه آگهی۲۳۱۱۸۹۱ الف ۲۵۱۳ شرح در صفحه ۳

<div>شنبه ۹ آبان ۱۴۰۵</div>
۲۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۳۱ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۱۴
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه شرق

ماشاءالله شمس‌الواعظین در گفت‌وگو با «شرق»:

به کانال «ونس-رضایی» امیدوارم

در «شرق» امروز می‌خوانید:
• «پاتریک استوارت» درگذشت
• بازنمایی ابعادی از تاریخ تنافر اصفهان
• شهر همسایه‌هایش را گم کرده است
• اسپانیا در شوک قطار مرگ

دیپلماسی با شروط متقابل؛ میانجیگری قطر برای بازگشایی مسیر مذاکره تهران و واشینگتن

ونس در مسیر تهران؟

این گزارش رادر صفحه ۲ خوانید

یک کتاب، یک نویسنده، گفت‌وگوی احمد غلامی با محمد جواد غلامرضاکاشی

مانیفست شکست روشنفکران



این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید

یادداشت

مهار بارگذاری زیر تیغ مولدسازی



علی اعطا

پژوهشگر مسائل شهری

در دو استان تهران و البرز را تصویب و جهت اجرا به دستگاه‌های اجرایی مسئول ابلاغ نماید». تبصره‌های این ماده نیز تعیین آب قابل تأمین شهرها و سقف تأمین‌پذیر بنزین، گاز و برق را پیش‌بینی کرده‌اند. مقصود آن است که جمعیت و فعالیت از توان منابع و زیرساخت‌ها فراتر نرود. روشن است که از حیث مالکیت، این ماده تفاوتی میان اراضی قائل نشده است و از منظر سیاست‌گذاری، جز این نباید انتظار داشت.

۴. در سوسی دیگر، «مصوبه مولدسازی دارایی‌های دولت» قرار دارد که در جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا تصویب شده و در ۲۱ آبان ۱۴۰۱ با تأیید رهبری رسیده است. «مولدسازی» به شیوه‌های مختلفی از بهره‌برداری اقتصادی از دارایی‌ها اطلاق می‌شود، ازجمله افزایش بهره‌برداری، تأمین مالی به پشتوانه دارایی، فروش یا تهاتر دارایی و ارزش‌افزایی از طریق

یادداشت

نگاه قرن نوزدهمی به قرن بیست‌ویکم



مهرداد احمدی‌شیرخانی

حکومت‌ها استبدادی است» (نقل به مضمون). این نوع تحلیل، بی‌شباهت به همان خیره‌ماندن مظفرالدین‌شاه به دوربین فیلم‌برداری نیست، اینکه چنان مقفون آنچه دیده‌ای می‌شوی که دیگر جلوی خود را نمی‌بینی. در این نوع تحلیل، غرب خوب است چون با مردم خودش خوب و شرق بد، چون با مردم خودش با آمریکا بگویم در موضوعاتی بین ایران با نیم‌درصد سهم از اقتصاد جهان و آمریکا با نزدیک به ۱۷ درصد سهم از اقتصاد جهان، منافعهش در این است که کشوری را که نیم‌درصد اقتصاد جهان را دارد به کشوری که ۱۷ درصد اقتصاد جهان را دارد ترجیح بدهد؟ و مگر رسیدن به همین موضوع که چین با روسیه، حتی فقط در برخی از مواقع چنین کنند، کار کمی است؟ و این دقیقا همان کاری است که ایران توانسته انجام دهد. نه همه‌جا و همه وقت، ولی در بخش‌های بسیار مهمی این اتفاق افتاده؛ نمونه‌اش دو وتوی بسیار مهم در شورای امنیت و یک رای مخالف به ارجاع قطع‌نامه شورای حکام به شورای امنیت از سوی چین و روسیه در همین شش ماه گذشته.



این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید

برگزیده‌ها

سرقط ۶.۳ میلیارد دلاری از بزرگ‌ترین صرافی رمزارز جهان

ردپای کره شمالی در هک بایننس

بررسی ۱۳ سال درآمدهای شهرداری تهران: کاهش ۶۴ درصدی پروانه‌های ساختمانی و وابستگی ۴۲ درصدی منابع لایحه بودجه ۱۴۰۴ به ساخت‌وساز

ساخت‌وساز کم‌شد وابستگی نه

رئیس ارزش پول، از زیرساخت‌های اقتصادی و کارخانجات تا خانه‌های مصرف‌کنندگان را گرفتار استهلاک تجهیزات و لوازم مصرفی کرده است

خسارت تورم

هیچ کدام از بلوک‌های سیاسی به پیروزی قاطع دست نیافتند

سایه تقلب بر انتخابات اسرائیل

این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید

نگاه

«همزیستی اختلاف»پیشنهادی برای جامعه فارغ از دولت

یادداشتی از محمدرضا جوادی یکانه، علی‌راغب

دنیای این روزهای ما

«اگر»



رامین خسروخوار

دنیای این روزهای ما، دنیای دل‌های خسته و لیخنه‌های ناگزیر است؛ دنیای حرف‌های ناگفته و دردهای نهفته. روزگاری که صداها بلندتر شده‌اند و گوش‌ها کم‌حوصله‌تر و آدم‌ها بیش از نداشتن، از نادیده‌گرفته‌شدن می‌رنجند. در چنین روزگاری، هر جامعه‌ای دفتری نانوشته از «اگر»هایش دارد: اگر آن هشتاد شنیده شده بود، اگر آن گفت‌وگو نیمه‌کاره نمی‌ماند، اگر آن تصمیم به‌موقع گرفته می‌شد، مسئله وجود این دفتر نیست؛ مسئله این است که با آن چه می‌کنیم. جامعه‌ای که فقط در «اگر»های دیروز زندگی کند، فرصت اصلاح را هم از دست می‌دهد. نشانه این فرسایش را می‌توان در زندگی روزمره دید. اعتماد که سرمایه خاموش روابط ما بود، کم‌کم جای خود را به احتیاط داده است. مردم کمتر به وعده‌ها باور دارند، کمتر در گفت‌وگوهای عمومی شرکت می‌کنند و بیشتر به حفظ خود و نزدیکنشان بسنده می‌کنند. این عارضه یک‌شبه ساخته نشده؛ حاصل جمع بی‌توجهی‌های کوچک و بزرگ است؛ حرفی که شنیده نشد، پرسشی که بی‌پاسخ ماند، خطایی که هیچ‌گاه به رسمیت شناخته نشد. هزینه این بی‌توجهی را معمولاً همان کسانی می‌پردازند که کمتر دیده می‌شوند. وقتی گوش‌ها کم‌حوصله می‌شوند، نخستین قربانی آن صدایی است که بلند نیست. وقتی دآوری بر فهم پیشی می‌گیرد، جامعه فرصت شناخت خود را از دست می‌دهد. و وقتی شعار جای عمل بنشیند، حتی درست‌ترین واژه‌ها نیز اعتبار خود را از دست می‌دهند. گر سنه را نایان باید، نه وعده نان؛ و جامعه را عدالت باید، نه تکرار واژه عدالت. با این حال، تحلیل اگر به حسرت ختم نشود، ناقص است. «اگر» تنها برای سوگواری نیست، برای سنجش نیز هست. پرسیدن از اینکه کجا خطا کردیم، نخستین گام اصلاح است، به شرط آنکه پرسشده خود را از پرسش مستثنا نکند. جامعه‌ای که نتواند خطای خود را ببیند، ناگزیر آن را تکرار می‌کند، آن‌هم با هزینه‌ای سنگین‌تر.